

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: دمیتری مینین (DMITRY MININ)

برگردان: ا. م. شیری

۲۶ فبروری ۲۰۲۳

بلینکن، فورستال زمان ما



آیا باید منتظر یک پریدن جدید از پنجره بیمارستان روانی باشیم؟

وزیر خارجه آمریکا به عنوان یک معضل جهانی

روند تحولات جهان به مؤلفه‌های زیادی بستگی دارد. اما، هیچ کس نقش فرد را در شکل‌گیری آن انکار نمی‌کند. قبلاً موردی در تاریخ ایالات متحده وجود داشت که جیمز فورستال، وزیر دفاع، که بعداً معلوم شد بیمار روانی است، تقریباً کشور و کل کره زمین را در آستانه جنگ جهانی سوم قرار داد. فراخوان‌های هیستریک او برای «مقابله» با اتحاد جماهیر شوروی در نهایت حتی شاهینی مانند هاری ترومن، رئیس جمهور را نیز ترساند. در نتیجه، فورستال که به خاطر توهم شدید خود دیوانه شده بود، در بخش روانی بیمارستان نظامی والتر رید بستری شد و در سال ۱۹۴۹ از پنجره طبقه ۱۶ آن بیرون پرید و فریاد زد: «روس‌ها می‌آیند»!

براستی، نسخه دیگری وجود دارد. فورستال علاوه بر روس‌ها، درگیر آزار و اذیت یهودیان امریکائی نیز بود و همه آن‌ها را کمونیست‌های بالقوه تصور می‌کرد. خوب، یک مرد بیمار... روس‌ها که دور بودند، اما همشهریان یهودی الاصلش در مطبوعات او را به تمسخر می‌گرفتند. برای این که تعداد کمی از آن‌ها در آنجا در نزدیکی بودند. طبق این نسخه، فورستال در واقع با فریادهای «آن‌ها می‌آیند»، به «آخرین پرواز» رفت و منظور او متخلفان- یهودیانی بودند که ظاهراً پس از او به آمریکا آمده بودند.



نقل است که تاریخ تکرار می‌شود. نسخه‌ی تناسخ فورستال در شخص آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه در مورد این که چه کسی مقصر تمامی مشکلات جهان است، دیگر تقسیم شده است. اما اکنون آن‌ها «روس‌ها» و «چینی‌ها» هستند که «می‌آیند». بسیاری‌ها نسبت به خطری که در امریکا مطرح می‌کنند، با وسواس بلینکن را با فورستال مقایسه می‌کنند. تمام محافل واشینگتن به انتشار این عقیده شروع کرده است که بلینکن «یک فرد بسیار خطرناک» است و با او می‌توان خود را بی‌سر و صدا در سنگرهای جنگ جهانی سوم یافت. این نگرانی‌ها از این واقعیت ناشی می‌شود که در گذشته مواردی در ایالات متحده وجود داشته است که معاونان پر جذبۀ رئیس‌جمهور، سران کاخ سفید را تحت تأثیر قرار داده‌اند. به عنوان مثال، دیک چنی در دورۀ جورج دبلیو بوش! وزیر خارجه برجسته مانند هنری کیسینجر نیز از این قبیل آدم‌ها بودند. اما هرگز چنین وضعیتی پیش نیامده که فردی در این موقعیت، حاکم واقعی کشور باشد. فورستال حتی نمی‌توانست چنین درجه‌ی نفوذ را در خواب هم ببیند. اما دلایل بیش از حد کافی وجود دارد که نشان می‌دهد پیروان موفق‌تر او نیز آماده‌اند تا خود را با سر در آتش جهانی که او برافروخته، ببندازند.

سیمور هرش، افشاگر اصلی روزگار ما، یکی از نخستین کسانی بود که در امریکا در مورد این واقعیت به طور علنی صحبت کرد که «سر» بلینکن و نزدیکترین وابستگان او مانند جک سالیوان و ویکتوریا نولاند «مشکل دارد». او به ویژه بدون تردید می‌گوید سازماندهی انفجار نورد استریم توسط آن‌ها نیز یک اقدام «جنون‌آمیز عامدانه» بود. شکار بالون‌های چینی به طور کلی از سری ترفندها در یک تیمارستان است. به گفته هرش، همه کشورهای بزرگ دنیا این گونه بالون‌های هواشناسی را که به تعداد زیاد پرتاب کرده و می‌کنند، مدام از مسیر منحرف می‌شوند و هیچ کس به جز دیوانه‌ها و شکارچیان بشقاب پرنده اهمیت زیادی به این موضوع قائل نمی‌شود. کاری که دولت کنونی در مورد آن‌ها انجام داده، اگر مضحک تصور نشود، رقت‌انگیز است.

نگرانی هرش در مورد سلامتی روانی بلینکن و یارانش را ظاهراً منابع بلندپایه روزنامه‌نگار نیز که افشای جزئیات اقدامات غیرعادی را ضروری می‌دانند، دارند. اما این واقعیت هنوز به آگاهی توده‌ها نرسیده است.

هم‌دوره‌های فورستال متوجه شدند که او در جلسات شورای امنیت ملی، به صحبت‌های دیگران گوش می‌دهد و هنگامی که خودش صحبت می‌کند، سرش را چنان سخت می‌خاراند که خونریزی می‌کند. وجود یک لکه طاس قرمز رنگ به اندازه یک «دلار نقره‌ای» در سر او ناشی از خاراندن بود. بدین سبب، او مورد توجه قرار گرفت.

بلینکن چنین عادت ندارد. او یک کژپندار تکانشی نیست، بلکه یک دیوانه متمرکز است. بنابراین، این شخص حتی خطرناک‌تر است. زیرا وسواس او بلافاصله توجه دیگران را جلب نمی‌کند.

شاید علناً فقط یک بار خونسردی خود را از دست داده است و آن هم زمانی که در «مذاکرات ستراتیژیک» به دلیل بی‌احترامی وانگ ئی، مسئول فعلی سیاست خارجی چین و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست چین به کشورش با صدای بلند او را سرزنش کرد. بلینکن، همانطور که در صفحه تلویزیون مشاهده شد، سر تا پا دچار تشنج شده بود. به نظر می‌رسید که او در آستانه صرع بود. ولی بسختی خود را جمع و جور کرد. شکی نیست که او با کینه‌توزی پاتولوژیک خود، کینه چینی‌ها را همیشه در دل داشت و اگر بعداً تحریکات شومی توسط امریکائی‌ها در منطقه تایوان انجام شود، نباید تعجب کرد.

دیدار این دو سیاستمدار در کنفرانس مونیخ بسیار عجیب بود. بلینکن بشدت ابراز تأسف کرد که چرا وانگ ئی به سبب پرواز بالون چینی بر فراز خاک امریکا از او عذرخواهی نکرده است. برای چه چیزی عذرخواهی کنیم؟ بخاطر تغییر جهت وزش باد؟ پس برای مدتی طولانی مانند خشایار، پادشاه ایرانی باید دستور داد تا بحر را به خاطر خلق و خوی نآرامش تازیانه بزنند. این سیاستمدار چینی به این نکته اشاره کرد که در واقع امریکائی‌ها باید عذرخواهی کنند. آن‌ها یک بالون هواشناسی بی‌ضرر را ساقط کردند و یک «سیرک با اسب» پیرامون آن به راه انداختند. وانگ ئی تصمیم امریکائی‌ها برای سرنگونی بالون را «پوچ و هیستریک» خواند.

گرایش بیمارگونه بلینکن به دروغ‌گویی، گواه «ویژگی‌های» شخصیتی وی است. او در زندگی‌نامه خود موارد را مدام تحریف و مخدوش می‌کند. او دائماً در مورد اجداد یهودی خود که تا اوایل قرن بیستم در کنیف زندگی می‌کردند و سپس نام خانوادگی بلینکن را یدک می‌کشیدند، می‌گوید که آن‌ها از «قتل عام‌های روسیه» به امریکای «متبرک» فرار کردند. بنابراین، اگر تو ادعا می‌کنی که اوکراین، همین اوکراینی که به جنگ با روسیه تا «آخرین قطره خون» تحریک می‌کنی، صدها سال وجود داشته، پس احتمالاً قتل‌های عام‌در آنجا نیز کار «اوکراین» بوده نه «روسیه». به هر حال، هرگز هیچ «قتل عام یهودی» در قلمرو فدراسیون روسیه فعلی روی نداده است. همه آن‌ها در اوکراین و مولداوی امروزی اتفاق افتاده است.

بلینکن ضمن صحبت در باره ناپدیری خود، سامویل پیزار (نام‌خانوادگی در بدو تولد - پیزار)، زندانی سابق اردوگاه‌های فاشیست، گذشته خود را طوری معرفی می‌کند که گوئی از اردوگاه‌های شوروی فرار کرده، توسط یک تانکیست سیاهپوست امریکائی آزاد شده است و سپس، پیزار جوان برای قدردانی، در مقابل او به زانو درآمده است. اما خود ناپدیری قبل از مرگش داستان کاملاً دیگری را تعریف کرد: «به خاطر قهرمانی سربازان روس و همچنین به خاطر این واقعیت که آشویتس توسط نیروهای شوروی آزاد شد، من تا ابد سپاسگزارم. من به دنبال نبرد ستالین‌گراد که نقطه عطف جنگ بود و حمله ارتش شوروی نجات یافتم».



سامونل پیزار، پدرخوانده وزیر امور خارجه امریکا (پیزار)، زندانی اردوگاه‌های مرگ فاشیست‌ها

هوشیاری دردناک آنتونی بلینکن در این واقعیت نیز آشکارتر می‌شود که او فقط دروغ نمی‌گوید. ظاهراً خودش به اختراعاتش اعتقاد دارد. حساب کردن روی یک مذاکره قابل درک و توافق با این شخص بسیار دشوار است. فورستال تاوان وسواس زندگی خود را پرداخت، بلینکن هنوز به حساب جان دیگران هزینه می‌کند. آیا آن‌ها عاقبت مشابهی خواهند داشت، آینده نشان خواهد داد.

شک‌های مبهم افزایش می‌یابد. به نظر می‌رسد بلینکن حتی از فورستال بیمارتر است!

منبع: وبسایت بنیاد فرهنگ ستراتیژیک

۶ اسفند- حوت ۱۴۰۱